

بسم الله الرحمن الرحيم

1399/12/24

موضوع: مهمترین علت عدم قبول خلافت توسط امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

برنامه حبل المتین

فهرست مطالب این برنامه:

در محضر حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها)

مهمترین علت عدم قبول خلافت توسط امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

مهمترین شاخصه و ویژگی خلیفه الهی برای خلافت!

آیا در سال 1400، خبرهایی هست!؟

تصریح به اعلامیت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در منابع معتبر اهل سنت!

عبارت «مدینه العلم» از القاب اختصاصی امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

تماس بینندگان برنامه

آیا سال 1400، سال ظهور امام زمان (علیه السلام) است!؟

کسانی که اصلاً ندای اسلام را نشنیده اند، تکلیفشان در قیامت چیست!؟

تفاوت «عدالت الهی» و «تفضل الهی» در چیست!؟

مجری:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و
آله الطاهرين

شعبان شد و پیک عشق از راه آمد

عطر نفس بقیة الله آمد

با جلوه سجاد و ابالفصل و حسین

یک ماه و سه خورشید در این ماه آمد

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبهه جهانی حضرت ولی
عصر».

حلول ماه شعبان، ماه منسوب به نبی مکرم اسلام را تبریک عرض می‌کنم. ان شاءالله که بتوانیم از این
ماه توشه برداشته و خود را آماده و محیای ضیافت الله کنیم.

با برنامه «حبل المتین» به رسم یکشنبه شبها مهمان دیدگان پرفروغ شما هستیم، برنامه‌ای که افتخار
داریم از محضر حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی بهره‌مند شویم.

ابتدا خدمت حاج آقا سلامی عرض کنیم و از ایشان بخواهیم که حسن مطلع فاطمی شان را قرائت کرده
و محفل ما را منور بفرمایند، سپس به اصل سؤالات و متن جریان برنامه بپردازیم. خدمت شما حضرت
استاد سلام عرض می‌کنم؛

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی که در هرکجای این گیتی پهناور بیننده این برنامه هستند یا تکرار برنامه را می‌بینند، خالصانه‌ترین سلام را تقدیم می‌کنم و موفقیت بیش از پیش از خداوند منان برای همه شما گرامیان خواهانم.

در محضر حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها)

فرارسیدن ایام شعبانیه را به همه شما عزیزان تبریک می‌گویم. ماه شعبان که متعلق به نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، ماه رسول الله و ماه فروزان شدن خورشید امامت و ولایت چهار بزرگوار است.

حضرت سید الشهداء (علیه السلام)، امام سجاد (علیه السلام)، مولا و سرور و تاج سرمان و آقایمان حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و همچنین میلاد قمر بنی هاشم (علیه السلام) است.

به تعبیر آیت الله العظمی بهجت، حضرت قمر بنی هاشم باب الحسین است. اگر کسی بخواهد در خانه امام حسین برود، باید از کانال حضرت ابوالفضل العباس عبور کند.

مرحوم آیت الله قاضی (رضوان الله تعالی علیه) هم فرمایشی دارند و می‌گویند: "هرچه فیوضات به ما می‌رسد، بواسطه امام حسین (علیه السلام) است و پیشکار امام حسین نیز قمر بنی هاشم (علیه السلام) است."

در رابطه با حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) روایتی در کتب اهل سنت آمده است. «ابن ابی الحدید معتزلی» در کتاب «شرح نهج البلاغه» جلد شانزدهم صفحه 211 این روایت را آورده است. همچنین مرحوم آیت الله العظمی خوئی در کتاب «منهاج البراعة» جلد 20 صفحه 97 تعبیر زیبایی دارند.

قرآن کریم در سوره مبارکه مائده آیه 35 می‌فرماید:

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید پرهیزگاری پیشه کنید و وسیله‌ای برای تقرب به خدا انتخاب نمائید.

سوره مائده (5): آیه 35

حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) می‌فرماید:

«و نحن وسیلته فی خلقه»

ما واسطه و وسیله بین خدا و خلایق هستیم.

«و نحن خاصته»

ما افراد برگزیده خدا هستیم.

«و محلّ قدسه»

ما جایگاه پاکی‌ها و قداست خداییم.

«و نحن حجّته فی غیبه، و نحن ورثة أنبیائه»

ما حجت‌های الهی و وارثان پیامبران از سوی خدا هستیم.

منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، نویسنده: هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، مترجم: حسن

زاده آملی، حسن و کمره ای، محمد باقر، ج 20، ص 97، باب المعنی

ان شاء الله در این ماه عزیز بتوانیم ارتباطمان را با اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) و مخصوصاً حضرت زهرا (سلام الله علیه) قوی‌تر کنیم و از گناهانمان استغفار کنیم و نفسمان را طوری آماده کنیم که روح و قلبمان بهترین پذیرا از ماه مبارک رمضان ماه ضیافت الله باشد.

مجری:

ان شاء الله به برکت دعای حضرتعالی چنین توفیقاتی نصیب همه شیعیان شود. عزیزانی که همراه همیشگی برنامه هستند، به خاطر دارند که بحث ما در مورد خطبه 92 «نهج البلاغه» بود. خطبه‌ای که خیلی اوقات مستمسک بسیاری از وهابی‌ها و وهابی زده‌ها قرار می‌گرفت. خطبه‌ای که در ابتدای آن جمله؛

«دَعُونِي وَ التَّمِسُوا غَيْرِي»

محلّی برای شبهه افکنی افرادی شده بود که قصد داشتند مغرضانه آسیبی به جریان حقیقی شیعه وارد کنند. الحمدلله جلوی چشم همه شما از حضرت استاد این قول را گرفتیم که این خطبه را موشکافانه بررسی کنند.

استاد فرمودند که این خطبه هفت فراز دارد. فراز اول، فراز دوم و فراز سوم بسیار زیبا بررسی شد و برای هر کدام از این فرازها یک جلسه قرار دادیم. حضرت استاد بعضاً بیش از یک جلسه وقت گذاشته و ما این توفیق را داشتیم از محضرشان استفاده کردیم.

اینک به فراز چهارم می‌رسیم، جایی که به نظر می‌رسد حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) اتمام حجت می‌کنند. حال ما در این زمینه از محضر حضرت استاد بیشتر استفاده می‌کنیم. امیرالمؤمنین فرمودند:

«وَ اعْلَمُوا أَنِّي إِِنْ أَجَبْتُكُمْ رَكَبْتُ بِكُمْ مَا أَعْلَمُ»

و بدانید اگر من خلیفه شما شوم، آنطور که خودم می دانم با شما رفتار خواهم کرد.

نهج البلاغة، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص

136، خ 92

حال این تعبیر را از زبان حضرت استاد بشنویم و ان شاءالله که بتوانیم نهایت استفاده را از محضرشان ببریم. در خدمت شما هستیم.

مهمترین علت عدم قبول خلافت توسط امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسیما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله أفضو أمری إلى الله إن الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر لاحول و لا قوة إلا بالله یا أبا صالح المهدی ادرکنی

همانطور که حضرتعالی اشاره کردید، این خطبه مستمسک بسیاری از وهابیها و وهابی زدهها شده است. این افراد ادعا می کنند امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) خلافت و امامت خودشان را الهی نمی داند و اگر الهی می دانست از خلافت الهی سر باز نمی زد.

ما بارها عرض کردیم امامت شئوناتی دارد که عبارتند از: وساطت در فیض، جلوگیری از تحریف، اقامه عدل و رفع ظلم. یکی از آنها هم تأسیس حکومت اسلامی و تشکیل حکومت است. چه مردم بخواهند و چه نخواهند، تشکیل حکومت، از شئون امامت و خلیفة الله است.

به عنوان مثال نبی مکرم اسلام در مکه هم امام بود و هم پیغمبر خدا بود. آن بزرگوار موظف به تشکیل حکومت عدل بود، اما این حکومت عدل یک پایه‌اش خواست خداوند عالم است و پایه دیگر آن هم شرایط تحقق این حکومت در جامعه است.

اگر این شرایط در جامعه محقق نباشد، دیگر امام تکلیفی ندارد. همانطور که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مکه تکلیفی نداشت، زیرا جامعه پذیرای آن بزرگوار نبود. به این معنا که تحقق این خلافت در جامعه مشروط به پذیرش مردم است.

در خصوص امیرالمؤمنین با توجه به مسائلی که در این 25 سال صورت گرفت، جامعه رنگ و بوی اسلامی را از دست داد. آن بزرگوار در نامه‌ای خطاب به «مالک اشتر نخعی» می‌فرماید:

«فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أَسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ»

اسلام در دست اشرار به اسارت گرفته شده بود.

«يَعْمَلُ فِيهِ بِالْهَوَىٰ وَ تَطْلُبُ بِهِ الدُّنْيَا»

در مسائل دینی ملاک آنها هوای نفس خودشان بود و از دین دنیاطلبی را می‌خواستند.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص

435، خ 53

حضرت در خطبه 150 «نهج البلاغه» می‌فرماید:

«حَتَّىٰ إِذَا قَبِضَ اللَّهُ رَسُولَهُ ص رَجَعَ قَوْمٌ عَلَى الْأَعْقَابِ»

تا جایی که می‌فرماید:

«وَذَهَلُوا فِي الشَّكْرِ عَلَى سُنَّةٍ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ»

نهج البلاغة، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص

209، ص 150

این نظر امیرالمؤمنین در «نهج البلاغه» است و ما نمی‌توانیم «نهج البلاغه» را برای مردم بازگو نکنیم و سخن امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را برای مردم نگوییم.

حضرت برای وحدت اهمیت زیادی قائل بودند، همینطور برای تقریب هم ارزش قائل بودند. آن بزرگوار به این خاطر خون دل خوردند و فرمودند:

«فَصَبْرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدَى وَ فِي الْحَلْقِ شَجَا أَرَى تُرَائِي نَهْبًا»

به همین دلیل شکیبایی پیشه کردم در حالی که گویی در چشمم خاشاک بود و استخوان راه گلویم را گرفته بود، زیرا با چشم خود می‌دیدم میراثم به غارت می‌رود.

نهج البلاغة، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص

48، خ 3

حال که جمعیت برای دعوت به خلافت از ایشان آمده است، حضرت می‌فرماید: شرایط مورد نظر من محیا نیست؛

«فَإِنَّا مُسْتَقْبِلُونَ أَمْرًا لَهُ وُجُوهٌ وَ أَلْوَانٌ لَا تَقُومُ لَهُ الْقُلُوبُ»

حضرت فرمودند: این جامعه در طول این مدت مخصوصاً در دوران عثمان با ریاست طلبی‌ها، زیاده خواهی‌ها، ثروت اندوزی‌ها، بی بند و باریها، کشت و کشتار مردم مظلوم و صحابه و دیگر افراد رنگ و بوی اسلامی خود را از دست داده است و مردم پذیرای حکومت عدل من نیست.

«وَلَا تَثْبُتْ عَلَيْهِ الْعُقُولُ»

عقل‌هایی که به این اوضاع عادت کرده است، نمی‌توانند زیر بار عدل علوی بروند.

«وَإِنَّ الْأَفَاقَ قَدْ أَغَامَتْ وَالْمَحَجَّةَ قَدْ تَنَكَّرَتْ»

مشاهده می‌کنم افق‌ها در جامعه تیره و تار شده است و حجت‌های الهی مورد انکار قرار گرفته است.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص

136، خ 92

مجری:

از محضر شما عذرخواهی می‌کنم، نکته‌ای را خدمت دوستان تذکر بدهم. تک تک جملاتی که حضرت استاد فرمودند را تماماً به تفصیل می‌توانید در آرشیو «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» مشاهده کنید. حضرت استاد همه این جملات را موشکافانه بررسی فرمودند و در تک تک این کلمات و حروفی که به کار رفته است نکات لازم را استخراج نمودند. اینک برای اینکه به فراز چهارم برسیم، استاد لطف فرمودند و این مطالب را بیان کردند. در خدمت شما هستیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در این فراز امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرماید: من آماده هستم و حرفی ندارم. اگر شما می‌خواهید خلیفه الهی باشم، من هم قبول دارم و خلیفه الهی و امام منسوب هستم. اگر من خلافت و امامت را بپذیرم شرط دارد و شرط اولش هم این است؛

«وَاعْلَمُوا أَنِّي إِذَا أَحْبَبْتُكُمْ رَكِبْتُ بِكُمْ مَا أَعْلَمُ»

بنده هرآنچه خودم به آن علم دارم و آگاهی که از شریعت دارم را در میان شما پیاده می‌کنم.

نهج البلاغة، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص

136، خ 92

ما فعلاً روی «رَكِبْتُ بِكُمْ مَا أَعْلَمُ» بحث می‌کنیم و «وَلَمْ أُضِغْ إِلَى قَوْلِ الْقَائِلِ وَ عَثِبِ الْعَاتِبِ» بماند تا بعداً روی آن بحث کنیم.

مهمترین شاخصه و ویژگی خلیفه الهی برای خلافت!

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) از میان تمام فضائلی که دارد، علم و آگاهی خودش را به رخ مردم می‌کشد. حضرت نمی‌فرماید آنطور که قدرت و شجاعت دارم، زیرا به تعبیر خلیفه دوم؛

«و الله لو لا سيفه لما قام عمود الإسلام»

به خدا سوگند اگر شمشیر علی نبود پرچم اسلام برافراشته نمی‌شد.

شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، نویسنده: ابن أبي الحديد، عبد الحميد بن هبة الله، محقق /

مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، ج 12، ص 82، باب نکت من کلام عمر و سیرته و أخلاقه

مشاهده کنید از روز اول مکه تا روز وفات حضرت نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) شمشیر امیرالمؤمنین بود که در جنگ‌ها و غزوات، فتح را به نفع مسلمانان رقم می‌زد.

امیرالمؤمنین نه تنها این‌ها را به رخ مردم نمی‌کشد، بلکه حتی دیگر فضایلش را هم به رخ مردم نمی‌کشد، به عنوان مثال حضرت زهد و تقوای خود را به رخ مردم نمی‌کشد، زیرا یکی از شرایط بزرگ یک خلیفه، آگاهی و علم خلیفه به کتاب و سنت است.

خلیفه اسلامی برای این آمده است که کتاب و سنت را در جامعه پیاده کند. اگر خلیفه به کتاب آگاهی نداشته باشد، چه چیزی را می‌خواهد به جامعه پیاده کند؟! اگر خلیفه به سنت پیغمبر اکرم آگاهی نداشته باشد، چه چیزی را می‌خواهد به مردم تعلیم دهد؟!

بنده ان شاءالله قصد دارم سخن‌هایی که «ابن تیمیه» و دیگران می‌زنند را مفصل بررسی کنم تا عزیزان قدری از تاریخ صدر اسلام آگاهی داشته باشند و ببینند چه اتفاقاتی رخ داد و چه ضرباتی زدند!! با مطالعه تاریخ خواهید دریافت که این افراد امیرالمؤمنین را خانه نشین نکردند و اهل بیت را منزوی نکردند، بلکه به بشریت خیانت کردند!!

ان شاءالله اگر سؤالی داشتید پاسخ خواهم داد. افراد بسیاری می‌پرسند اگر امیرالمؤمنین خلیفه می‌شد، چه اتفاقی می‌افتاد؟! همچنین اگر حضرت خلیفه می‌شد، چه اتفاقی نمی‌افتاد؟!

ما با توجه به کتابهای اهل سنت پاسخ می‌دهیم. اگر امیرالمؤمنین خلیفه می‌شد دین مردم درست می‌شد، سنت پیغمبر اکرم اجرا می‌شد، دنیای مردم بهبود پیدا می‌کرد و آخرتشان اصلاح می‌شد.

این‌ها عباراتی است که در کتب اهل سنت آمده است. پیغمبر اکرم می‌فرمایند: اگر علی بن ابی طالب خلیفه شود عدالت را اجرا می‌کند، سنت را پیاده می‌کند، دنیای شما را آباد می‌کند، فقری در کره زمین پیدا نمی‌شود و همه شما اهل بهشت خواهید شد.

این مطالب در کتب اهل سنت آمده است. ان شاءالله این مطالب را بررسی خواهیم کرد. این‌ها مباحثی است که باید زیاد تکرار شود.

اگر حضرتعالی هر یکی دو جلسه یادآوری کنید، بنده توضیح مفصل خواهم داد که اگر علی بن ابی طالب خلیفه می‌شد چه اتفاقاتی می‌افتاد و با کنار گذاشتن حضرت چه ضربه مهلکی به انسانیت وارد شد.

مظلومیت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) که واضح است و کاری با آن نداریم، اما در این خصوص بحث می‌کنیم که با کنار گذاشتن حضرت چه خسارتی به جهان بشریت زدند.

ان شاء الله امیدواریم فرزند امیرالمؤمنین، حضرت ولی عصر (اوحنا لتراب مقدمه الفداء) دنیا را گل باران فرموده و عدل علوی را در جامعه پیاده کند تا مردم هم در دنیا به رفاه کامل برسند و فاصله طبقاتی در جامعه نباشد و هم امنیت برقرار شود.

در زمان ظهور حضرت بقية الله الأعظم یک زن به تنهایی می‌تواند از شرق به غرب مسافرت کند و بواسطه امنیت، کسی متعرض دیگری نمی‌شود. همچنین گرگ و میش در کنار هم زندگی می‌کنند، نه میش از گرگ می‌ترسد و نه گرگ جرئت تجاوز به میش را دارد.

عبارت فوق کنایه از این است که آنچنان عدالت مهدوی در کره زمین گسترده خواهد شد که کسانی که صاحبان قدرت هستند حتی فکر تجاوز به مظلوم را هم به ذهن خود نمی‌آورند.

در رابطه با عدالت مهدوی تعبیر جالبی آمده است که می‌گوید: نسل‌های بعد از ما اصلاً واژه ظلم را نمی‌شناسند. این مسئله مانند این است که شما به یک کودک در مورد ازدواج و شهوت بگویید و او اصلاً این قضیه را نمی‌فهمد و درک نمی‌کند.

نسل‌های بعد از حکومت حضرت ولی عصر اصلاً معنای ظلم را نمی‌دانند و اصلاً با کلمه ظلم بیگانه هستند. در زمان حضرت صاحب الزمان واژه ظلم از جامعه برچیده می‌شود.

اگر خلفای قبل می‌گذاشتند این حکومت عدل بعد از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) توسط حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در جامعه پیاده می‌شد.

آیا در سال 1400، خبرهایی هست!؟

خدا را به آبروی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) سوگند می‌دهیم سال پیش رو را سال فرج قرار بدهد.

شاید در صد سال اخیر چنین سالی نباشد که اول سال با جمعه شروع شود، دو نیمه شعبان در اول و آخر یک سال قرار بگیرد، نیمه شعبان امسال مصادف با جمعه است، شب 23 ماه رمضان جمعه است و حتی روز عاشورا هم عصر جمعه است.

ما چندین مناسبت مهم داریم که همگی در جمعه هست. شاید یکی از همین جمعه‌ها به خواست خداوند حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) ظهور کنند.

«يُضِلِّحُ اللَّهُ تَعَالَى أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ»

إعلام الوری بأعلام الهدی، نویسنده: طبرسی، فضل بن حسن، ص 427، الفصل الثانی فی ذکر

الأخبار الواردة عن آبائه فی ذلك

ان شاءالله خداوند در یک شب زمینه ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه و الشریف) را فراهم بفرماید. خیلی جالب است که سال هزار و چهارصد جمعه باران شده است.

امیدواریم ان شاءالله خداوند عالم به آبروی حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) بر سر بشریت منت بگذارد و تفضلی نماید از باقیمانده غیبت حضرت صرف نظر کرده و امسال را سال فرج حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) قرار بدهد. ما این آرزو را داریم و برای آن بسیار دعا می‌کنیم.

زمانی که در محضر حضرت آیت الله العظمی بهجت بودیم، ایشان همیشه توصیه می‌کردند وقتی برای امام زمان دعا می‌کنید، برای خودتان هم دعا کنید.

دعا کنید وقتی خداوند عالم فرج حضرت ولی عصر را نزدیک می‌کند شما را نیز از یاران آن بزرگوار قرار دهد، زیرا زمانی که حضرت ظهور کند معلوم نیست با شما چه برخوردی داشته باشد. ما در دعاهای فراوانی داریم:

«وَأَجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ أَتْبَاعِهِ»

الإحتجاج على أهل اللجاج، نویسنده: طبرسی، احمد بن علی، محقق / مصحح: خراسان، محمد باقر، ج 2، ص 495، باب ذکر طرف مما خرج أيضا عن صاحب الزمان ع من المسائل الفقهية و غيرها فی التوقيعات على أيدي الأبواب الأربعة و غیرهم

دعا کنیم خداوند ما را از تابعین حضرت قرار دهد، زیرا وقتی حضرت مهدی ظهور کنند و مطالبی بفرمایند که به نفع ما نباشد، معلوم نیست چه اتفاقی خواهد افتاد و ما در مقابل حضرت ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) چه خواهیم کرد.

ما باقی مطالب را در برنامه‌های مخصوص نیمه شعبان خواهیم گفت، اما یک لحظه مطلبی یادم افتاد. نقل شده است در نجف تعدادی از بزرگان و اعظم در این فکر بودند که زمان برای فرج حضرت صاحب الزمان آماده است، چرا حضرت ظهور نمی‌کنند.

آن‌ها تعدادی از بزرگان و علمای مقدس را انتخاب می‌کنند و از میان آنها پنجاه نفر انتخاب می‌کنند، از این تعداد ده نفر انتخاب می‌کنند و از این میان یک نفر گلچین می‌کنند و از ایشان درخواست می‌کنند که به حضرت ولی عصر متوسل شوید و علت نیامدنشان را بپرسید.

این شخص بزرگوار و زاهد به سمت مسجد سهله می‌رود و در آنجا شهری را می‌بیند که تا به حال ندیده است. شخص زاهد می‌پرسد: اینجا کجاست؟! افراد حاضر در آنجا می‌گویند: این شهر حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

فرد زاهد می‌گوید: می‌خواهم محضر آقا برسم. افراد می‌گویند: دختری در اینجا وجود دارد که حضرت مهدی فرمودند عقد ایشان را برای شما بخوانیم، امشب را اینجا استراحت کنید سپس خدمت حضرت برسید.

شخص بزرگوار تابع امر حضرت ولی عصر است و قبول می‌کند. همین که مقدمات ازدواج آماده می‌شود، در می‌زنند و می‌گویند: حضرت فرمودند سریع بیایید. شخص زاهد گفت: به حضرت بفرمایید یک ساعت دیگر خدمت می‌رسم.

پنج دقیقه بعد بازهم افرادی می‌آیند و می‌گویند: حضرت فرمودند همین الآن بیا. این شخص عصبانی می‌شود و می‌گوید: من نمی‌آیم!! این شخص با خود می‌گوید حال که یک عقد و ازدواجی برای ما فراهم شده است، آن را از دست بدهم؟!

شخص زاهد ناگهان می‌بیند که همه این صحنه‌ها از جلوی چشمش کنار می‌رود و تبدیل به یک بیابان می‌شود. شخص زاهد نزد بقیه بزرگان می‌آید و می‌گوید: ما پذیرای حضرت نیستیم.

بنده این نکته را هم عرض کنم که در روایت داریم شیطان در هنگام جان‌کندن، کنار انسان می‌آید. اگر انسان به فرزندش علاقه دارد، شیطان فرزند آن شخص را مجسم می‌کند و چاقو به دست می‌گوید: اگر «لاله الا الله» بگویی، سر فرزندت را می‌برم.

اگر شخص به همسرش علاقه داشته باشد، او را با همسرش تهدید می‌کند. اگر شخص به اموالش علاقه دارد، او را با بنزین و آتش زدن اموال او تهدید می‌کند. شیطان در آخرین لحظه به دنبال این است که مؤمن بدون ایمان از دنیا برود. خیلی سخت است!!

بنابراین بهترین و مهمترین و بالاترین دعا برای انسان عاقبت بخیری است که در آن لحظات آخر عمر خدای نکرده شیطان ایمان ما را از دستمان نگیرد. این مسئله خیلی سخت است. در روایات مربوط به احتضار آمده است که شیطان تمام تلاشش را می‌کند ایمان را از مؤمن بگیرد.

تصریح به اعلی‌ت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در منابع معتبر اهل سنت!

در هر صورت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) از میان تمام فضائل، اعلی‌ت خودش را به کتاب و سنت به رخ مردم می‌کشد.

بزرگان اهل سنت هم بر این عقیده هستند که یک حاکم باید سه شرط داشته باشد. بعضی از بزرگان تا هشت شرط را بیان کردند، اما برخی افراد پنج شرط آن را قبول ندارند.

بزرگانی مانند «قاضی عبدالجبار معتزلی»، «عضدالدین ایجی» و دیگران همگی روی سه مورد اتفاق نظر دارند و معتقدند که حاکم باید این سه شرط داشته باشد.

شرط اول اینکه حاکم باید «اعلم الناس بالكتاب و السنة» باشد. شرط دوم اینکه حاکم باید «اشجع الناس» در میان مردم باشد. شرط سوم اینکه حاکم باید «اعدل الناس» باشد.

اعدل امت باشد، نه اینکه عادل باشد. بنده هرکدام از این شروط را به صورت مفصل توضیح خواهم داد. در فرمایش امیرالمؤمنین؛

«وَلَمْ أُضْغِ إِلَى قَوْلِ الْقَائِلِ وَ عَثِبِ الْعَاتِبِ»

بحث عدالت مطرح است و ما باید عدالت علوی را به صورت کامل به نمایش بگذاریم تا شیعیان لذت ببرند و دنیا بدانند که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در عدالت چه بود و مخالفین با کنار گذاشتن حضرت، چه ضربه‌ای به ما زدند. بنابراین در اینجا بحث علم است.

آقای «صالحی شامی» از بزرگان اهل سنت و متوفای 942 هجری در کتاب «سبل الهدی و الرشاد» جلد یازدهم از قول «ابن مسیب» تعبیر جالبی دارد. ایشان می‌نویسد:

«ما كان أحد يقول: سلوني غير علي»

غیر از علی بن ابی طالب هیچ کدام از صحابه نتوانست بگوید هرچه می‌خواهید از من سؤال کنید.

«قال ابن عباس: أعطى على تسعة أعشار العلم، ووالله لقد شاركهم في العشر الباقي»

ابن عباس می‌گوید: نود درصد علوم اسلامی را خداوند به علی عطا کرده است و به خدا سوگند علی در ده درصدی که باقی مردم دارند هم سهیم است.

سبل الهدی والرشاد فی سيرة خير العباد، اسم المؤلف: محمد بن يوسف الصالحی الشامی، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1414 هـ الطبعة: الأولى، تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود وعلی محمد معوض، ج 11، ص 289، الباب العاشر فی بعض فضائل أمير المؤمنين

علم امیرالمؤمنین اینچنین است. همچنین در کتاب «مصنف ابن ابی شیبہ» استاد «بخاری» جلد ششم صفحه 371 روایتی از قول «عطا» که یکی از بزرگان اهل سنت است، نقل می‌کند و می‌نویسد:

«كان في أصحاب رسول الله أحد أعلم من علي»

آیا در میان اصحاب پیغمبر اکرم کسی اعلم از علی بن ابی طالب بود؟

«قال لا والله ما أعلمه»

او گفت: قسم به خدا کسی را نمی‌شناسم که در میان اصحاب اعلم از او باشد.

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبه الكوفي،
دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - 1409، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج 6، ص

371، ح 32109

در روایت بعد آمده است بعد از شهادت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) امام حسن مجتبیٰ بالای
منبر رفت و فرمود:

«لم يسبقه الأولون بعلم ولا يدركه الآخرون»

نه از گذشتگان کسی به پای علم علی بن ابی طالب می‌رسد و نه در آیندگان کسی می‌تواند علم
حضرت را داشته باشد.

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبه الكوفي،
دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - 1409، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج 6 ص

371، ح 32110

همین تعبیر را آقای «ابن اثیر» را در کتاب «أسد الغابه» جلد چهارم صفحه 95 آورده است. در روایت
آمده است که «عبدالملك ابن ابی سلمان» می‌گوید به «عطا» گفتم:

«أكان في أصحاب محمد أعلم من علي؟»

آیا در میان اصحاب حضرت محمد کسی در علم به علی می‌رسید؟

«قال: لا، والله لا أعلمه»

گفت: به خدا قسم خیر.

أسد الغابة في معرفة الصحابة، اسم المؤلف: عز الدين بن الأثير أبي الحسن علي بن محمد
الجزري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت / لبنان - 1417 هـ - 1996 م، الطبعة: الأولى،
تحقيق: عادل أحمد الرفاعي، ج 4، ص 109، ح 3775

«تاريخ دمشق» همين تعبير را از «عطاء» نقل می‌کند. در این زمینه الی ماشاءالله نمونه‌هایی یافت
می‌شود.

جالب این است که «مناوی» که از بزرگان اهل سنت است، در کتاب «فیض القدير شرح جامع صغير»
بسیار مفصل مطرح می‌کند که پیغمبر اکرم فرمود:

«أنا مدينة الحكمة وعلی بابها»

من شهر حکمت هستم و علی هم در آن است.

بازهم روایت «ابن مسعود» را نقل می‌کند و می‌نویسد:

«قسمت الحكمة عشرة أجزاء فأعطی علی تسعة أجزاء والناس جزءا واحدا»

علی بن ابی طالب نود درصد علوم را در اختیار داشت و در ده درصد باقیمانده نیز با مردم شریک
بود.

تا جایی که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«أنا مدينة العلم وعلی بابها فمن أراد العلم فلیأت الباب»

من شهر علم هستم و علی بن ابی طالب هم در این شهر است. اگر کسی بخواهد وارد این شهر
شود باید از در وارد شود.

«وقد شهد له بالأعلمية الموافق والمخالف»

بر اعلمیت علی بن ابی طالب همه مخالفین و موافقین شهادت داده‌اند.

«والمعادى والمخالف»

دشمنان حضرت و اهل کتاب هم بر اعلمیت حضرت شهادت دادند.

به عنوان مثال مردی که تنها هجده ماه در جنگ صفین با امیرالمؤمنین جنگیده است، از معاویه سؤالی پرسید و معاویه گفت:

«سل علیا هو أعلم منی»

برو از علی بن ابی طالب سؤال کن، او از من اعلم است.

«فقال: أريد جوابك»

راوی گفت: می‌خواهم جواب تو را بشنوم.

«قال: ويحك كرهت رجلا كان رسول الله يعزه بالعلم عزا وقد كان أكابر الصحب يعترفون له بذلك»

معاویه عصبانی شد و گفت: وای بر تو، نمی‌خواهی از کسی که رسول الله عزت علم را به او داده

و اکابر صحابه بر اعلمیت او اعتراف دارند سؤال کنی؟!!

«وكان عمر يسأله عما أشكل عليه جاءه رجل فسأله فقال: ههنا على فاسأله»

همچنین آمده است که شخصی از عمر بن خطاب سؤال پرسید و او گفت: علی بن ابی طالب

اینجاست. برو و از او سؤال کن.

«فقال: أريد أسمع منك يا أمير المؤمنين»

مرد گفت: یا امیرالمؤمنین! می‌خواهم از شما سؤال بپرسم.

«قال قم لا أقام الله رجلیک ومحی اسمه من الدیوان و صح عنه من طرق»

عمر بن خطاب عصبانی شد و گفت: بلند شو، پاهایت بشکند. عمر دستور داد اسم آن شخص را از دیوان پاک کنند و از بیت المال به او حقی پرداخته نشود.

فیض القدیر شرح الجامع الصغیر، اسم المؤلف: عبد الرؤوف المناوی، دار النشر: المكتبة التجارية

الکبری - مصر - 1356 هـ الطبعة: الأولى، ج 3، ص 46، باب أنا دار الحکمة

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) چنین شخصیتی است که دوست و دشمن، مخالف و موافق، شهادت بر علمیت او می‌دهند.

نظیر این روایت از قول عایشه در کتاب «تاریخ مدینة دمشق» نقل شده است. عایشه همان کسی است که جنگ جمل را به راه انداخت که قریب به سی هزار نفر کشته داشته است. «عطاء ابن رباح» می‌گوید: از عایشه سؤال کردم. عایشه گفت:

«علی بن أبی طالب أعلمکم بالسنة»

عالمترین شما به سنت پیغمبر اکرم، علی بن ابی طالب است.

همچنین در روایت دیگر نقل است:

«علی أعلم الناس بالسنة»

علی بن ابی طالب آگاهترین انسان‌ها به سنت است.

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمثال، اسم المؤلف: أبو القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفكر - بیروت - 1995، تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر بن غرامة العمری، ج 42، ص 408، باب آخر الجزء الثامن والتسعين بعد الأربعمائة

همچنین در کتاب «شواهد التنزیل» جلد اول با سند صحیح روایتی از قول عایشه نقل شده است که می‌گوید:

«علی أعلم أصحاب محمد بما أنزل علی محمد صلی الله علیه وسلم»

علی بن أبی طالب عالم‌ترین اصحاب به آنچه که بر پیغمبر اکرم نازل شده است، بود.

شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، نویسنده: الحاکم الحسکانی، وفات: ق 5، تحقیق: الشیخ محمد باقر المحمودی، چاپ: الأولى، سال چاپ: 1411 - 1990 م، ناشر: مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامی- مجمع إحياء الثقافة الإسلامیة، ج 1، ص 47، ح 40

همچنین در کتاب «استیعاب» اثر «ابن عبدالبر» متوفای 463 هجری جلد سوم آمده است:

«قالت عائشة من أفتاكم بصوم عاشوراء»

عایشه گفت: چه کسی روزه در روز عاشورا را گفته است؟

«قالوا علی. قالت: أما أنه لأعلم الناس بالسنة»

گفتند علی بن أبی طالب. گفت: او عالم‌ترین انسان‌ها به سنت رسول اکرم است.

الاستيعاب في معرفة الأصحاب، اسم المؤلف: يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر، دار النشر:
دار الجيل - بيروت - 1412، الطبعة: الأولى، تحقيق: علي محمد البجاوي، ج 3، ص 1104، ح

1855

در کتاب «الوافی بالوفیات» اثر آقای «صفدی» جلد 21 صفحه 179 همین تعبیر آمده است. عایشه در
رابطه با صوم روز عاشورا گفت:

«قالت أما إنه أعلم الناس بالسنة»

علی بن ابی طالب آگاه‌ترین انسان‌ها به سنت پیغمبر اکرم است.

الوافی بالوفیات، اسم المؤلف: صلاح الدین خلیل بن اَبیک الصفدی، دار النشر: دار إحياء التراث -
بیروت - 1420 هـ - 2000 م، تحقیق: أحمد الأرناؤوط وترکی مصطفی، ج 21، ص 179، باب 3

در رابطه با اعلامیت امیرالمؤمنین به قدری روایت داریم که اگر بخواهیم مطالبی در خصوص اقوال صحابه،
اقوال تابعین، اقوال اتباع تابعین در رابطه با اعلامیت علی بن ابی طالب بیان کنم به اندازه سی جلسه در
کامپیوتر کوچکم مطلب دارم و حتی یک ثانیه هم نیاز به تحقیق ندارم.

به قدری مطالب در خصوص اعلامیت امیرالمؤمنین آمده است که به اندازه سی جلسه یک ساعت و نیمه
مطلب آماده دارم.

به عنوان مثال در کتاب «فضائل صحابه» اثر «احمد بن حنبل» آمده است که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه
و آله و سلم) می‌فرماید:

«أنا دار الحكمة وعلی بابها»

من خانه حکمت الهی هستم و علی بن ابی طالب در خانه است.

فضائل الصحابة، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - 1403 - 1983، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. وصی الله محمد عباس، ج 2، ص 634، ح

1081

در کتاب «الشريعة» اثر آقاي «آجری» جلد چهارم صفحه 2068 روايتی نقل شده است که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«أَنَا مَدِينَةُ الْفِطْرِ، وَعَلَى بَابِهَا»

من شهر فقاهاست هستم و علی بن ابی طالب درب این شهر است.

الشريعة، المؤلف: أبو بكر محمد بن الحسين بن عبد الله الأجرى البغدادي (المتوفى: 360 هـ)، المحقق: الدكتور عبد الله بن عمر بن سليمان الدميحي، الناشر: دار الوطن - الرياض / السعودية، الطبعة: الثانية، 1420 هـ - 1999 م، ج 4، ص 2068، ح 1549

همچنین در کتاب «جامع الاحاديث» اثر آقاي «سيوطي» روايتی آمده است که پیغمبر اکرم می فرماید:

«أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَى بَابِهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا»

من شهر علم هستم و علی در آن شهر است، هرکسی می خواهد وارد شهر علم شود باید از در آن عبور کند.

جامع الاحاديث (الجامع الصغير وزوائده والجامع الكبير)، اسم المؤلف: الحافظ جلال الدين عبد الرحمن السيوطي، ج 16، ص 259، باب 30

«حاکم نیشابوری» این روایت را نقل کرده است و گفته سند آن صحیح است. همچنین «خطیب بغدادی» در کتاب «تاریخ بغداد» این روایت را از قول «یحیی ابن معین» نقل کرده و گفته است که صحیح است.

«ابن حجر عسقلانی» در «لسان المیزان» گفته است که این عبارت سندهای متعددی دارد. بازهم «حاکم نیشابوری» در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» این روایت را نقل کرده و گفته این عبارت صحیح است.

مجری:

استاد اگر اجازه بفرمایید سؤالات را مطرح کنم و بعد آدرس روایات را با دقت بیشتری بررسی کنیم. نمی‌دانیم این‌ها کور شده‌اند یا خودشان را به کوری زده‌اند، اما دیدیم که روایات زیادی در باب اعلییت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) ذکر شده است.

عبارت «مدینه العلم» از القاب اختصاصی امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

اخیراً وهابی‌ها مخصوصاً در همین باب و همین جمله «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَى بَابِهَا» چه جنجال و سر و صدایی به راه انداختند و می‌گویند شما یک حدیث صحیح از منابع شیعه هم نمی‌توانید پیدا کنید!! دوست دارم عزیزان بیننده هم متوجه باشند که همین فرمایشات حضرتعالی تماماً می‌تواند مشت محکمی بر دهان و افکاری باشد که این مخالفین و وهابیون می‌پرورانند و قصد دارند که مسیر حق را منحرف کنند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله، ما نمی‌دانیم چکار باید کرد. ما چند مورد داریم که «عبدالحمید» در نماز جمعه نقل می‌کند روایت صحیح از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) داریم که فرموده‌اند: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا».

فی الحال فرصت بیان این مسائل نیست، اما این افراد همان حرفها و چرندیاتی را بیان می‌کنند که «ابن تیمیه ناصبی» (علیه من الله ما يستحق) نقل می‌کند. این افراد در روز روشن می‌گویند خورشیدی وجود ندارد!!

بنده به یاد دارم در باب حدیث «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا» در «شبكة سلام» یا «شبكة جهانی ولایت» برنامه‌ای داشتم و به یاد دارم در آن برنامه از هفده تن از بزرگان اهل سنت نام بردیم که گفته بودند روایت «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا» صحیح است.

بنده خیلی گذرا به این مطلب اشاره می‌کنم و گذر می‌کنم. «حاکم نیشابوری» در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» جلد 3 صفحه 160 می‌گوید که روایت صحیح است.

«ابن حجر عسقلانی» در «لسان المیزان» جلد 6 صفحه 243 می‌گوید: روایت صحیح است. «یحیی بن معین» می‌گوید: روایت صحیح است. «متقی هندی» می‌گوید: روایت صحیح است.

«ابن حجر هیثمی» می‌گوید: روایت صحیح است. «سیوطی» می‌گوید: روایت صحیح است. «مناوی» می‌گوید: روایت صحیح است. «ابن سمعون» یکی از علمای بزرگ اهل سنت متوفای 387 هجری می‌گوید: روایت صحیح است.

«انصاری شافعی» می‌گوید: روایت صحیح است. «سخاوی» می‌گوید: روایت صحیح است. «صالحی شامی» می‌گوید: روایت صحیح است. «زرکشی حنبلی» می‌گوید: روایت صحیح است. «منصور علی ناصف» می‌گوید: روایت صحیح است.

ما چندین روایت در کتب اهل سنت در باب فضائل امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و فضائلی که دیگران نقل کرده‌اند داریم که نزدیک به بیست تن از بزرگان اهل سنت صحت روایت را نقل می‌کنند.

بعنوان مثال «احمد غماری» می‌گوید: روایت صحیح است. جالب است که تعدادی از بزرگان می‌گویند: «مَدِينَةُ الْعِلْمِ» از القاب علی بن ابی طالب است. این خیلی مهم است! «احمد غماری» در کتاب «المداوی لعلل الجامع الصغیر وشرحی المناوی» می‌گوید:

«فتح الملك العلی بصفة حدیث باب مدينة العلم علی»

المداوی لعلل الجامع الصغیر وشرحی المناوی، المؤلف: أحمد بن محمد بن الصديق بن أحمد، أبو الفيض الغماری الحسنى الأزهری (المتوفى: 1380 هـ)، الناشر: دار الکتبی، القاهرة - جمهورية مصر العربية، الطبعة: الأولى، 1996، ج 3، ص 70، ح 2705

«ابونعیم» وقتی می‌خواهد در رابطه با امیرالمؤمنین تعریف کند، می‌گوید:

«وسيد القوم محب المشهود ومحبوب المعبود باب مدينة العلم والعلوم»

حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، اسم المؤلف: أبو نعیم أحمد بن عبد الله الأصبهانی، دار النشر: دار الكتاب العربی - بیروت - 1405، الطبعة: الرابعة، ج 1، ص 61، باب 4 علی بن ابی طالب

همچنین «سمعانی» متوفای 562 هجری در تعریف امام حسین (علیه السلام) می‌گوید:

«قتلوا فعرفوا بالشهید، أولهم ابن باب مدينة العلم وريحانة رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

الشهید بن الشهید الحسين بن علی»

الأنسب، المؤلف: عبد الكريم بن محمد بن منصور التميمي السمعاني المروزي، أبو سعد (المتوفى):
562 هـ)، المحقق: عبد الرحمن بن يحيى المعلمي اليماني وغيره، الناشر: مجلس دائرة المعارف
العثمانية، حيدر آباد، الطبعة: الأولى، 1382 هـ - 1962 م، ج 8، ص 184، ح 2404

«بدرالدين عيني» می گوید:

«وأنه باب مدينة العلم»

عمدة القارى شرح صحيح البخارى، اسم المؤلف: بدر الدين محمود بن أحمد العيني، دار النشر:
دار إحياء التراث العربى - بيروت، ج 16، ص 215، ح 1073

«ألوسى» می گوید:

«على المرتضى وهو باب مدينة العلم»

روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم والسبع المثانى، اسم المؤلف: العلامة أبى الفضل شهاب
الدين السيد محمود الألوسى البغدادي، دار النشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت، ج 1، ص
23، باب بسم الله الرحمن الرحيم

ملاحظه می کنید که اصلاً کلمه «مَدِينَةُ الْعِلْمِ» از القاب حضرت المؤمنین (سلام الله علیه) است. من
نمی دانم به گفته آقای «ملازاده» این آقایان بی عقلها با این مخالفت هایشان چه فکری می کنند و دنبال
چه چیزی هستند!!

آیا می خواهند بی سوادى شان را به رخ مردم بکشند؟! آیا عناد و عداوتشان با امیرالمؤمنین را به مردم
نشان بدهند؟! آیا قصد دارند مردم را اغراء به جهل کنند؟! شاید بابت پولهایی که از عربستان گرفته اند،
می خواهند ادای دین کنند.

فردی همانند آقای «سروش» حرف‌هایی راجع به ایجاد اختلاف بین امت اسلامی می‌زند. این گونه افراد به خاطر پول‌هایی که از عربستان گرفته‌اند، می‌خواهند مأموریتشان را انجام بدهند.

مجری:

حاج آقا مشکل اینجاست که این افراد حتی در ادای تکلیفشان هم موفق نیستند. این افراد دست روی چنین حدیثی می‌گذارند که طبق فرمایشات حضرتعالی تنها نام افرادی که آن را تصحیح کردند، یک کتاب می‌شد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

واقعاً اگر بخواهیم نام کسانی که تصحیح کرده‌اند را بنویسیم، حداقل یک کتاب سیصد صفحه‌ای خواهد شد. حال یک عده افراد مانند «ابن جوزی»، «ابن تیمیه» و دیگران صحبت‌های مخالفی کرده‌اند.

نزدیک به بیست تن از بزرگان اهل سنت می‌گویند: این روایت صحیح است، اما «ابن تیمیه حرانی خبیث» حرفی می‌زند که انسان مبهوت می‌ماند.

او در روز روشن قضیه را انکار می‌کند و می‌گوید: هیچ عالمی نگفته است این روایت صحیح است. بنده نمی‌دانم افرادی که الآن نام آنها را بردیم، آیا جزو علمای اهل سنت بوده‌اند یا خیر؟!

یکی از بینندگان به یکی از کارشناسان «شبکه نور» که اصلاً نمی‌خواهم نامش را ببرم، گفت: فلانی از علمای شما اینطور می‌گوید. این کارشناس در جواب گفت: ما او را به اندازه الاغ هم قبول نداریم!!

ما نمی‌دانیم این افراد علمای خودشان را که با مدرک حرفشان را آوردیم، قبول دارند یا خیر؟! با توهین وقیحی که این کارشناس وهابی در برنامه به یکی از بزرگانشان کرد، نمی‌دانیم چه بگوییم.

به قول معروف احترام امامزاده را باید متولی نگه دارد. وقتی شما به علمای بزرگتان اینطور وقیحانه توهین می‌کنید، انتظار نداشته باشید که دیگران برای بزرگان‌تان احترام قائل شوند.

بنده به حال بعضی از اهل سنت متأسفم. وقتی این افراد حرمت بزرگان‌شان را نگه نمی‌دارند، سایرین باید برخیزند و از بزرگان‌شان دفاع کنند. من در خدمت حضرتعالی هستم.

مجری:

سلامت باشید، خیلی زیبا و متین فرمودید. ما باید خداوند را شاکر و سپاسگزار باشیم اینگونه بگوییم:
«الحمد لله الذي جعل اعدائنا من الحمقاء!»

این افراد حداقل باید روایت دیگری انتخاب کنند. وقتی چنین روایت بارزی را نشانه می‌گیرند که حضرت استاد اشاره وار فرمودند، باید به عقلشان شک کرد. الحمد لله ما هم هرچه شنیدیم، ذکر بود.

«ذِكْرُ عَلِيٍّ عِبَادَةَ»

مناقب آل ابي طالب عليهم السلام، نویسنده: ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ج 3،
ص 202، فصل فی مَحَبَّتِهِ ع

یک فاصله می‌گیریم و در بخش آخر برنامه به سراغ کلام شما عزیزان می‌رویم و کلام شما را بیشتر می‌شنویم.

عرض سلام مجدد خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر». خدا را شاکریم الحمد لله تا این لحظه از برنامه همراه ما بودید و توانستیم تا اینجا از سخنان گهربار حضرت استاد آیت الله دکتر حسینی قزوینی استفاده ببریم.

ان شاءالله توانسته باشیم از سخنانی که از دل و اعماق جان حضرت استاد بر می‌آید و واقعاً در طرز بیان هم به تبلور و منصفه ظهور می‌رسد، درست استفاده کنیم.

ان شاءالله ما هم بتوانیم از صمیم قلب سخنان استاد را با گوشت و پوست و استخوانمان عجبین کنیم و محبت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را همواره در دل داشته باشیم.

تماس بینندگان برنامه:

به سراغ تماس‌های شما عزیزان می‌رویم. جناب آقای محمودی از کردستان پشت خط هستند. آقای محمودی در خدمت شما هستیم، بفرمایید.

بیننده (آقای محمودی از کردستان - شیعه):

سلام علیکم.

مجری:

سلام علیکم و رحمة الله.

بیننده:

خدمت آیت الله قزوینی سلام عرض می‌کنم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله.

بیننده:

مدتی بود که ایشان تشریف نداشتند، حال که هستند ان شاءالله که موفق و موید باشند.

مجری:

ان شاء الله.

بیننده:

خدمت آیت الله قزوینی دو سؤال داشتم. سؤال اول این است که حاج آقای از خطباء جمکران در تلویزیون می‌گفت: سال 1400 سالی است که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور می‌کنند. نظر حضرتعالی در این خصوص چیست.

سؤال دوم این است که نقل می‌کنند که امام زمان در سال 329 هجری مُصحف حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بعد از غیبت کبری با خودشان برده‌اند.

آیا این مُصحف سبب نمی‌شد که تمام جامعه کفر هدایت شوند یا اگر مسلمانان مشکل دینی داشتند به این واسطه مشکلشان حل می‌شد؟!

چه کسی جوابگوی این ملت یا جهان کفر هست که شاید با مصحف حضرت فاطمه زهرا همگی مسلمان می‌شدند؟! آیا امام زمان جوابگو خواهند بود یا خیر؟!

مجری:

بسیار خوب، تشکر می‌کنیم. سؤالاتتان را یادداشت کردیم و ان شاء الله از محضر حضرت استاد خواهیم پرسید. آقا رضا از چابهار پشت خط هستند. آقا رضا در خدمت شما هستیم، بفرمایید:

بیننده (آقا رضا از چابهار - شیعه):

سلام علیکم، خسته نباشید. سلام عرض می‌کنم خدمت شما و حجة الاسلام و المسلمین قزوینی.

بنده می‌خواستم این سؤال را بپرسم که حدود 1400 سال است دین اسلام آمده است و قبل از دین اسلام هم دین حضرت عیسی و قبل از آن هم دین حضرت موسی بوده است.

اکنون یک میلیارد و چهارصد میلیون نفر مسلمان در جهان هستیم. کسانی که در ژاپن و امریکا هستند، کسانی که سرخ پوست هستند یا دیگر افراد هیچ شناختی از اسلام ندارند و اصلاً نمی‌دانند اسلام چیست. وقتی این افراد می‌میرند، حکمشان چیست؟! در قبر چطور از این افراد سؤال می‌شود؟! این افراد می‌گویند که ما اصلاً نمی‌دانیم که شیعه چیست یا سنی چیست. اگر حاج آقا به این سؤالات من جواب بدهند، ممنون می‌شوم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سؤالشان چه بود؟!

مجری:

منظور این بود که اینگونه افراد عاقبت به خیر می‌شوند یا عاقبت به شر؟! آقا رضا از شما تشکر می‌کنیم که از چابهار بیننده برنامه خودتان بودید. جناب آقای آکار از بهبهان پشت خط هستند. جناب آقای آکار صدایتان را می‌شنویم، بفرمایید:

بیننده (آقای آکار از بهبهان - شیعه):

سلام خدمت شما و حاج آقا و از برنامه خوبتان متشکرم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله.

بیننده:

بنده خواستم خدمت شما عرض کنم مدتی هست که برای نماز کسل و سست شده‌ام. در گذشته وقتی نماز صبح می‌خواندم تا برای امام حسین گریه نمی‌کردم، خوابم نمی‌برد. اخیراً نماز مرتب قضا می‌شود و به اصطلاح پایه نماز سست شده. لطفاً مرا راهنمایی کنید.

مجری:

ان شاء الله سؤالتان را اجمالاً مطرح خواهیم کرد، اما در همین شبکه می‌توانید با برنامه احکام در روزهای یکشنبه و سه شنبه ساعت 6:30 شب تماس بگیرید و دغدغه خود را با اساتید در میان بگذارید. جناب آقای احمد شعار از سراب پشت خط هستند. آقای احمد شعار در خدمت شما هستیم، بفرمایید:

بیننده (آقای احمد شعار از سراب - شیعه):

سلام علیکم و رحمة الله.

مجری:

علیکم السلام و رحمة الله، در خدمتتان هستیم، بفرمایید.

بیننده:

مطلبی که استاد آیت الله قزوینی در مورد «اشجع الناس» و «اعلم الناس» بودن حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) فرمودند و همین مطلبی که فرمودند:

«أَيُّهَا النَّاسُ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَلَأَنَا بِطَرْقِ السَّمَاءِ أَعْلَمُ مِنِّْي بِطَرْقِ الْأَرْضِ»

ای مردم! از من سؤال کنید قبل از آنکه از میان شما بروم. من به راه‌های آسمان بیشتر از راه‌های زمین تسلط دارم.

نهج البلاغة، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص
280، خ 189

همین یک موضوع در مورد اعلامیت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) کفایت می‌کند و چه بسا عده‌ای روی منبر خواستند همین لفظ را استفاده کنند و همانطور که حضرت استاد در برنامه‌هایشان فرمودند اینان مفتضح شدند.

در مورد «اشجع الناس» بودن امیرالمؤمنین بنده عرضی داشتم که حضرت استاد هم در جریان هستند. «ابن تیمیه» در «منهاج السنة» جلد 4 صفحه 456 وقتی به این سخن «علامه حلی» در مورد اشجعیت امیرالمؤمنین می‌رسد، حرفی در مورد اشجعیت خلفای دیگر ندارد به همین خاطر شجاعت را به دو قسم تقسیم می‌کند.

او می‌گوید: شجاعت دو قسم است؛ قسم باطنی و قسم ظاهری. شجاعت ظاهری را سه خلیفه دیگر نداشتند و تنها امیرالمؤمنین داشت. ایشان در مورد شجاعت باطنی جمله جالبی دارد که می‌گوید:

«أن أبا بكر كان أشجع من عمر وعمر أشجع من عثمان وعلى وطلحة والزبير»

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مؤسسة قرطبة - 1406، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج 8، ص 79، فصل قال

الرافضي والرابع أنه كان أشجع الناس

به این معنا که جنگ‌های بدر و احد و خندق کلاً فراموش شده‌اند. بنده سؤالی از محضر استاد در مورد عدالت داشتم.

حضرت استاد لطفاً عدالت اسلامی را برای ما تعریف کنید. این تعریف که گفتند: عدالت یکی شدن نیست، بلکه عدالت یعنی حق هر شخص به او برسد. آیا این تعریف صحیح است یا خیر؟!

سؤال دوم این است که سؤالی در فضای مجازی پیش آمده و شبهه‌ای مطرح شده است. بنده با مثال این شبهه را خدمت شما عرض می‌کنم.

شما فرض کنید دانش آموزی در کلاس نمره 18/5 گرفته است. استاد می‌گوید: به دلیل اینکه در فعالیت‌های کلاسی شرکت کردید، نمره شما را 19 می‌دهم. آیا این نیم نمره‌ای که استاد می‌دهد، عدالت استاد است یا لطف استاد؟!

خداوند متعال در قیامت می‌فرماید: به خاطر اینکه شما در زمین فلان کار را انجام دادید، من هم فضیلتی به شما می‌دهم. آیا این عدالت خداست یا لطف خدا؟!

اگر لطف خداست یک آپشن اضافی به نام عدالت خداوند مطرح می‌شود و اگر عدالت خداست آپشن اضافی لطف خدا مطرح می‌شود. تشکر می‌کنم اگر به این دو سؤال پاسخ بدهید. «اللهم اجعل عواقب امورنا خیرا»!!

مجری:

«اللهم اجعل عاقبة امورنا خیرا». از آقای احمد شعار از سراب بسیار تشکر می‌کنیم که همراه برنامه خودتان بودید. ان شاء الله سؤالات شما را نیز مطرح خواهیم کرد.

آیا سال 1400، سال ظهور امام زمان (علیه السلام) است؟!

حال به پاسخ سؤالات می‌پردازیم. ابتدا آقای محمودی از کردستان تماس گرفتند. سؤال اولشان این بود که بنا به گفته یکی از طلاب در مسجد مقدس جمکران سال 1400 به طور معین و مشخص سال ظهور حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

جناب آقای محمودی ما روایات زیادی داریم که ائمه (علیهم السلام) فرموده‌اند:

«كَذَبَ الْوَقَاتُونَ»

کسانی که وقت تعیین می‌کنند دروغ می‌گویند.

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد،

ج 1، ص 368، ح 3

به فرموده ائمه اطهار هرکسی که باشد، اگر بخواهد وقت ظهور حضرت مهدی را معین کند آن شخص را تکذیب کنید.

حتی در روایت داریم که حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز از زمان ظهور خودشان اطلاعی ندارند.

در مقابل ما نه تنها در سال 1400 بلکه امشب که 24 اسفند ماه است و هرشب که می‌خواهیم با این آرزو می‌خواهیم که فردا حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء) ظهور کنند و باید خودمان را آماده کنیم.

سال 1400 که هیچ، ما حتی برای شب جمعه هم چشم به راه هستیم. اگر به ما بگویند یک هفته تأخیر می‌اندازند، قلب ما درد می‌گیرد و ناراحت می‌شویم. حتی یک ساعت تأخیر در فرج برای ما قابل تحمل نیست.

این افراد که وقت تعیین می‌کنند، حدس‌هایی می‌زنند. «مرحوم سید بن طاووس» متوفای 664 هجری نامه‌ای به فرزندش محمد می‌نویسد و می‌گوید: "با توجه به روایاتی که آمده است قبل از ظهور حضرت ولی عصر یکی از علما می‌آید و ویژگی‌هایی دارد، من احساس می‌کنم که آن شخص من هستم و زمان ظهور را هم درک می‌کنم."

حال مشاهده کنید از سال 664 هجری تاکنون قریب به 800 سال گذشته است و هنوز خبری از ظهور حضرت بقية الله الأعظم نشده است.

بنابراین حرفهایی که برخی افراد می‌زنند، حدسیات است و به هیچ وجه این حرفها را گوش نکنید. هرکس گفت فلان سال و فلان روز حضرت ولی عصر ظهور می‌کنند، او را تکذیب کنید.

البته بعضی افراد هستند امر بر آنها مشتبه می‌شود. به عنوان مثال زمانی بود که شایعه کردند آقای «بهلول» گفته بود: "من «عثمان بن عنبسه» همان شخص سفیانی که قبل از ظهور حضرت ولی عصر می‌آید را در سوریه دیده‌ام. این نشانه این است که ظهور نزدیک است."

اتفاقاً ما در مشهد جناب «بهلول» را به منزلی که در اختیار داشتیم دعوت کردم. ما حدود دو ساعت با هم صحبت کردیم و همه صحبتها را هم ضبط کردیم. ایشان می‌گفت: من چنین چیزی نگفتم!!

ایشان می‌گفت: من فقط گفتم آقای بود که چشم اعور و صورت پر آبله‌ای داشت و بسیار شبیه «عثمان بن عنبسه» بود. این سخن جناب «بهلول» را یک کلاغ و چهل کلاغ کردند.

همچنین مطلبی از قول آیت الله العظمی بهجت نقل کردند که ایشان فرموده است: "من قبلاً می‌گفتم جوان‌های ما زمان ظهور را درک می‌کنند، اما الآن می‌گویم پیرمردها هم زمان ظهور را درک می‌کنند."

مردم شاهد باشید، من خدا را هم شاهد می‌گیرم، بنده و آیت الله خزعلی دو ماه قبل از رحلت آیت الله العظمی بهجت خدمت ایشان رسیدیم؛ آیت الله خزعلی پرسید: شما چنین چیزی فرموده‌اید؟! گفت: نه،

من چنین حرفی نگفتم. من تنها گفتم: ما آرزو می‌کنیم نه تنها جوان‌های ما بلکه پیرمردهای ما هم زمان ظهور را درک کنند.

عرض کردم گاهی اوقات یک مسئله را یک کلاغ و چهل کلاغ می‌کنند. این‌ها برداشت‌های اشتباهی است که دست به دست می‌گردد.

مجری:

سؤال دوم این بود که طبق چیزی که نقل می‌شود، مصحف حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در اختیار امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. مردم و مسلمانان نتوانستند از چنین مصحفی بهره‌مند شوند و همین مسئله باعث گمراهی شده است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اولاً مراد از مصحف حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) قرآن نیست، آقایان اشتباه می‌کنند. ما روایات متعددی داریم که بعد از رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) جبرئیل بر حضرت فاطمه زهرا نازل می‌شد.

امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) هم می‌فرمودند: بالاترین مقام حضرت فاطمه زهرا هم همین است که بعد از رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) جبرئیل برای هیچ کدام از ائمه اطهار حتی امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نازل نشده است.

جبرئیل خدمت حضرت زهرا (سلام الله علیها) می‌رسید، به خاطر رحلت رسول گرامی اسلام به حضرت عرض تسلیت می‌داد و وقایع آینده برای ایشان بیان می‌کرد. حضرت فاطمه زهرا این مطالب را بیان می‌کرد و امیرالمؤمنین آنها را می‌نوشتند.

مصحف حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) این است، نه اینکه خیال کنید قرآنی در اختیار حضرت زهرا بوده است.

بنده مشاهده کردم «آقای قرضاوی» که رفت آنجا که باید می‌رفت، در یکی از سخنرانی‌هایش گفته بود شیعیان کتابی به نام مصحف فاطمه دارند که چندین برابر این قرآن است.

اگر عوام چنین حرفی را بزنند کسی تعجب نمی‌کند، اما وقتی شخصی مثل آقای «قرضاوی» این حرف را می‌زند واقعاً جای تأسف است. اگر کتاب «کافی» جلد اول صفحه 457 را نگاه کنید، این قضایا را مفصلاً مطرح می‌کند.

مجری:

بسیار خوب، ممنونم. تشکر می‌کنم از آقای محمودی که تماس گرفته بودند و الحمدلله جوابشان را هم دریافت کردند.

کسانی که اصلاً ندای اسلام را نشنیده اند، تکلیفشان در قیامت چیست!؟

آقا رضا از چابهار پرسیده بودند که قرآن کریم 1400 سال پیش آمده است، اما هنوز افرادی هستند که ندای اسلام به گوششان نرسیده است. تکلیف این افراد چیست!؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما در این خصوص یک قانون کلی داریم. یک عده هستند که در تفاسیر و روایات با عنوان:

«وَالْمُسْتَضْعَفُونَ وَ الْمُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ»

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد،

ج 2، ص 382، ح 2

آن‌هایی که مستضعف هستند. اگر احکام الهی به گوششان نرسیده، این دسته افراد امرشان با خدای عالم است.

مرحوم آیت الله سید شبر کتابی به نام «حق الیقین» دارند. اصل این کتاب همان کتاب فارسی «حق الیقین» اثر «علامه مجلسی» است، اما آیت الله سید شبر خیلی زیبا توضیح داده‌اند و مطالب را دسته بندی کرده‌اند.

این کتاب، واقعاً کتاب خوبی است. بنده به دوستانی که زبان عربی بلد هستند توصیه می‌کنم این کتاب را مطالعه کنند. این کتاب را در اینترنت هم می‌توانید پیدا کنید. این کتاب مخصوصاً جلد دوم آن در مورد مسائل قیامت است و تمام قضایا را مطرح کرده است.

ایشان در این کتاب می‌گویند: در رابطه با مستضعفین و کسانی که حکم الهی به گوششان نرسیده است، چند قول داریم. قول اول در خصوص افرادی است که احکام الهی به گوششان نرسیده است، اما عقل دارند. عقل می‌گویند: ظلم نکن، به صورت یتیم سیلی نزن، مال مردم را نخور.

آیا این افراد طبق عقل عمل کردند یا عمل نکردند؟! اگر این افراد طبق عقل عمل کرده باشد، فردای قیامت اهل نجات هستند و در آن شکی نیست. فردای قیامت خداوند عالم این افراد را امتحان می‌کند. اگر آنها اوامر الهی را اجرا کردند به بهشت می‌روند و اگر مخالفت کردند به جهنم می‌روند.

قول دوم در خصوص «اعراف» است؛ کسانی است که حجت به گوششان نرسیده است. این افراد نه اعمال بهشتی شدن دارند و نه اعمال جهنمی شدن دارند.

در خصوص این افراد یک وادی به نام «اعراف» میان بهشت و جهنم است که خداوند عالم آنها را از نعمت‌های خود برخوردار می‌کند. نعمت‌هایی که در اختیار این افراد قرار می‌گیرد نعمت‌های بهشتی نیست، اما عذاب جهنم هم بر آنها نیست.

ما روایات متعددی در این رابطه داریم، اما خلاصه امر اگر کسی حجت برای او تمام نشده باشد قرآن کریم می‌فرماید:

(وَ مَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا)

و ما هرگز (شخص یا قومی را) مجازات نخواهیم کرد مگر آنکه پیامبری مبعوث می‌کنیم (تا وظائفشان را بیان کند).

سوره اِسرائ (17): آیه 15

قرآن کریم می‌فرماید: ما کسی را عذاب نمی‌کنیم، جز اینکه صدای بعثت و صدای حقانیت به گوش آنها برسد.

مجری:

حضرت استاد بسیار زیبا و متقن و علمی پاسخ دادند. ما خدمت آقای آکار توصیه کردیم که برنامه ما برنامه پاسخگویی به شبهات است، اما ان شاء الله از فضل کلام حضرتعالی بهره‌مند شوند. ایشان می‌گفتند مدتی است تقیدی که سابقاً نسبت به نماز داشتند، از بین رفته است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

«ابوبصیر» می‌گوید: بعد از شهادت امام صادق (علیه السلام) خدمت «أم حمیده» همسر امام صادق رسیدم تا تسلیت بگویم. بنده گفتم: عذرخواهی می‌کنم از اینکه نتوانستم در روز آخر محضر امام برسم. اگر حضرت توصیه و نصیحتی برای من اگر داشتند، بفرمایید.

«أم حمیده» در جواب گفت: ای ابا بصیر! آخرین جمله‌ای که امام صادق (علیه السلام) فرمودند، این بود:

«إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مُسْتَخِفًّا بِالصَّلَاةِ»

شفاعت ما به کسانی که به نماز سهل انگاری می‌کنند، نخواهد رسید.

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر،

ج 1، ص 206، ح 618

نماز از ارکان دین است. اول چیزی که در قبر و قیامت از ما سؤال می‌کنند، در خصوص نماز است. اگر نماز ما قبول شود دیگر اعمال ما هم قبول است، اما اگر نماز ما قبول نشد دیگر اعمال ما را هم رد می‌کنند. بنابراین تنها مَیِّز میان ایمان و کفر، نماز است.

اضافه بر اینکه برادر بزرگوام، یکی از چیزهایی که انسان را در زندگی موفق می‌دارد و از بلاهایی که حتی به فرمان هم نمی‌رسد جلوگیری می‌کند و برکت را به زندگی می‌آورد، نماز خواندن است. نماز خواندن مهم است، آن هم نماز اول وقت نه نماز آخر وقت.

مرحوم آیت الله قاضی (رضوان الله تعالی علیه) می‌گوید: اگر کسی نماز اول وقت خواند، اما مشکلات دنیوی‌اش برطرف نشد و به مقامات نرسید هرچه خواست به من بگوید.

بنابراین نماز اهم مسائل است، مخصوصاً نماز اول وقت. حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) در فرانسه در نوفل لوشاتو در حال مصاحبه با هشتاد خبرنگار و ضبط این مصاحبه‌ها بودند که به تمام دنیا مخابره کنند، اما ناگهان امام بلند شدند و رفتند.

افراد همگی ناراحت شدند و فکر کردند شاید اتفاقی افتاده باشد. اطرافیان گفتند: اتفاقی نیفتاده است. صدای اذان آمد و امام که دیدند وقت نماز است چنین مصاحبه‌ای را قطع کردند و رفتند.

آقای «رضایی» که اکنون دبیر مجمع تشیخ مصلحت نظام هستند، نقل می‌کند: خدمت امام خمینی رسیده بودیم و در رابطه با قضایای بسیار مهم جنگ مطالبی را خدمت امام گزارش می‌دادیم.

یک مرتبه امام خمینی صحبت‌هایمان را قطع کردند و رفتند. در میان ما آیت الله هاشمی رفسنجانی بیش از همه جرئت صحبت با امام خمینی را داشت. ایشان از امام پرسید: اتفاقی افتاده است؟! امام فرمودند: خیر، وقت نماز است!

امام خمینی نماز را خواندند و بعد برای ادامه جلسه آمدند. این افراد بزرگان ما بودند. بنده نمی‌خواهم از میان ائمه اطهار شخصی را مثال بزنم.

به عنوان مثال عایشه می‌گوید: پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) مشغول صحبت با ما بود، اما زمانی که وقت نماز می‌رسید طوری برخورد می‌کردند که انگار با ما غریبه هستند و کسی را نمی‌شناسد. بنابراین قدر نماز را بدانید.

مجری:

آقای احمد شعار ابتدائاً سخنانی از «ابن تیمیه» در تأیید اینکه ناصبی بودن ایشان مسلم است بیان کردند، سپس راجع به عدالت اسلامی پرسیدند.

تفاوت «عدالت الهی» و «تفضل الهی» در چیست!؟

سؤال این بود که عدالت اسلامی به چه معناست؟ آیا به این معنا که به تمامی افراد مسلمان باید به صورت مساوی پرداخت شود یا اعطای «کل ذی حق حقا» است؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ان شاء الله ما در رابطه با خطبه 92 از باب عدالت امیرالمؤمنین بحثی خواهیم داشت، عدالتی که بشر حتی در خواب هم نمی‌تواند تصور کند. ما یک عدالت داریم، یک تفضل داریم.

ایشان در خصوص عدالت مثالی زدند. وقتی یک دانش آموز نمره 18/5 می‌گیرد، استاد می‌خواهد نیم نمره به او ارفاق کند.

آقای شعار در اینجا دو مسئله پیش می‌آید. مسئله اول اینکه اصلاً مقتضای عقل و فطرت انسان چیست؟ کسی که تلاش کرده و زحمت کشیده نمره 18/5 یا 18/75 آورده است، 25 درصد هم رهنمود عقل است که به ایشان نمره بدهد، اما اصلاً و ابداً این قضیه هیچ ارتباطی به عدالت ندارد.

این دانش آموز از میان 20 سؤال که مطرح شده بود، 18/5 سؤال را جواب داده است و 1/5 سؤال را جواب نداده است. همچنین اگر 17 گرفته است، به این معناست که 3 سؤال را جواب نداده است.

اگر استاد به دانش آموز 2 نمره اضافه بدهد، قطعاً سایر دانش آموزان شاکی می‌شوند. گاهی اوقات استاد در حق یک دانش آموز تفضل می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید:

(وَ أَنْ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ)

و فضل (و رحمت) تماماً به دست او است، به هر کس بخواهد می‌بخشد.

سوره حدید (57): آیه 29

ما در دعاها می‌خوانیم:

« يَا مُبْتَدِّئًا بِالنَّعْمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا »

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان،

ج 51، ص 304، ح 19

خدای عالم به بعضی از افراد تفضل می‌کند و نعمتی را به او می‌دهد. کسی هم حق شکایت ندارد.

به عنوان مثال امیرالمؤمنین اموالی را از بصره آورده‌اند. حضرت این اموال را بین مردم تقسیم می‌کنند و سهم خودشان را هم برمی‌دارند. حال حضرت از سهم خودشان به بعضی افراد می‌دهند.

مال اول از روی عدالت بود، اما مال دوم که از سهم خودشان برداشتند و به افراد دادند، تفضل است. بنابراین ارتباطی به عدالت ندارد.

بنابراین ما هم همیشه از خداوند عالم می‌خواهیم بر ما تفضل کند. در دعای بعد از زیارت امام رضا (علیه السلام) می‌خوانیم:

«فَأْمُنْ عَلَيَّ بِمَا أَوْجَبَهُ فَضْلُكَ»

خدایا بر ما منت بگذار بر آنچه که تفضلت اقتضا می‌کند.

«وَلَا تَخْذُلْنِي بِمَا يَخْكُمُ بِهِ عَذْلُكَ»

ما را رسوا و خار نکن بر آنچه که عدالتت اقتضا می‌کند.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان،

ج 99، ص 56، ح 11

بنابراین همیشه تلاشمان بر این است که از فضل الهی تقاضا می‌کنیم و از تفضلات ائمه (علیهم السلام) درخواست می‌کنیم. البته این نکته را هم بگویم که گاهی اوقات اعمال خودمان باعث می‌شود خدای عالم به ما تفضل کنند. قرآن کریم می‌فرماید:

(وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا)

و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند قطعاً هدایتشان خواهیم کرد.

سوره عنكبوت (29): آیه 69

یک هدایت عام است که برای همه مشمول است.

(إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا)

ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا کفران کند.

سوره انسان (76): آیه 3

اما سنت خداوند بر این برقرار شده که اگر بنده‌ای دو قدم به سمت خدا بردارد، اولاً خدا آن شخص را از لغزش‌ها حفظ می‌کند و ثانیاً چهار قدم هم به جلو هدایتش می‌کند.

(وَ أَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ)

و:

(يُعْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَعْذِّبُ مَنْ يَشَاءُ)

هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) می‌بخشد و هر کس را بخواهد مجازات می‌کند.

سوره آل عمران (3): آیه 129

همه اینها دست خداوند عالم است، اما **(يَعْذِّبُ مَنْ يَشَاءُ)** بر مبنای عدالت خداست و **(يُعْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ)** بر مبنای عدالت و تفضل است.

مجری:

احسنتم، ان شاء الله که بتوانیم از این تفضلات بهره‌مند شویم و خودمان را در راستای همان هدایت‌هایی قرار دهیم که بعداً بتوانیم این تفضلات الهی را جذب کنیم.

ان شاء الله در این ماه‌های ارزشمند مانند ماه شعبان از تفضلات بهره‌مند شویم و خودمان را برای ماه ضیافت الله آماده کنیم.

حضرت استاد دو سه دقیقه فرصت داریم دوستانی التماس دعا داشتند. ابتدا اگر یک جمع بندی هست بفرمایید و در آخر هم دعا بفرمایید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

مجموعه بحث ما در مورد خطبه 92 «نهج البلاغه» است. ما عرض کردیم خطبه‌های «نهج البلاغه» را نمی‌توانیم تک تک ملاک قرار بدهیم، بلکه باید مجموع خطبه‌ها را ملاک قرار داده و سپس مورد قضاوت قرار دهیم.

ما ابتدا باید بررسی کنیم که آیا امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) خودش را امام منصوب من قبل الله می‌دانست یا امام منتخب مردم می‌دانست. متأسفانه بعضی افراد «يُؤْمِنُ بَعْضُ الْكُتَابِ وَ يَكْفُرُ بَعْضُ» هستند!

ما در همین خطبه 92 هم عرض کردیم علت این که حضرت زیر بار خلافت تحمیلی نمی‌رود، بخاطر این است که افراد یک سری شرط و شروطی برای امیرالمؤمنین گذاشتند که حضرت آن را قبول نکردند و فرمودند:

«إِنْ أَجَبْتُكُمْ رَكْبَتْ بِكُمْ مَا أَعْلَمُ»

حضرت به صراحت فرمودند که اگر خلافت شما را بپذیرم، طبق آنچه که علم من به سنت و کتاب است عمل می‌کنم. در این صورت به حرف هیچ کسی گوش نمی‌دهم و هیچ سرزنشی هم در کارهای من اثری نخواهد داشت.

ما چندین فراز را بررسی و مطالعه کردیم. ان شاءالله در جلسه بعد در رابطه با اعلمیت امیرالمؤمنین که واقعاً برای ما مغفول عنه شده است می‌پردازیم تا ببینیم وهابی‌ها در این زمینه چه می‌گویند.

همینطور که جناب آقای شعار هم گفتند وهابی‌ها که می‌بینند در مورد اشجعیت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) حرفی برای گفتن ندارند، می‌گویند: ابوبکر هم شجاع بود، اما قلباً شجاع بوده است!!

ما نتوانستیم بفهمیم که معنای شجاعت قلبی چیست. کسی که قلبش شجاع باشد، باید شمشیر به دست بگیرد و در ظاهر شجاعتش را نشان بدهد.

حال بنده ادعا کنم که من عالم هستم، اما همه علم من باطنی است و قلب من پر از علم است. شما از کجا بدانید که قلب من پر از علم است؟! من باید زبان باز کنم تا شما بفهمید که من عالم هستم یا خیر؟!

این افراد می‌گویند جناب ابوبکر خیلی شجاع بود و دعا می‌کرد. دعای ابوبکر بود که امیرالمؤمنین را در میدان پیروز می‌کرد. این حرفها ادعاهایی است که مرغ پخته هم به آن خنده‌اش می‌گیرد.

در پایان از خداوند عالم می‌خواهیم که به آبروی امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) فرج مولایمان حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا له الفداء) را نزدیک کند، قلب نازنین حضرت از ما راضی بگرداند و ما را از یاران خاص آن بزرگوار قرار بدهد.

از خداوند عالم می‌خواهیم خیر دنیا و آخرت به ما ارزانی بدارد و شر دنیا و آخرت از ما برطرف کند.

از خداوند می‌خواهیم به حق رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت حوائج ما و حوائج بینندگان عزیز را برآورده بفرماید، گرفتاری‌های همه مسلمانان و بشریت را برطرف کند و دعاهای ما به اجابت برسد.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

مجری:

احسنتم، طیب الله، خیلی استفاده کردیم. همچنین از تمامی شما عزیزان تشکر می‌کنم و در این لیالی ماه شعبان و نیمه‌های شب التماس دعا داریم و امیدواریم ما را از دعای خیرتان فراموش نکنید. تا دیدار دیگر خدانگهدار.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته